

جنگ، زنان، اخلاق زیستی و محیط زیست

جمال خانی جزنی، مهناز مظاهری اسدی^۱

چکیده

زمان اثرات جنگ بر محیط زیست را آشکار می‌سازد. جنبه‌های متفاوت جنگ، مهم‌ترین عامل در تخریب محیط زیست یا به عبارتی تخریب اکوسیستم‌هاست که سرانجام عوارض آن دامن‌گیر جمعیت کره زمین می‌شود. چگونه می‌توان کارنامه یک جنگ را بررسی کرد؟ درباره جنگ، محیط زیست، زنان و اخلاق، اطلاعات چندانی در دست نیست. شاید دلیل آن عدم انجام تحقیقات لازم در این زمینه باشد. در تخریب زیست-محیطی ناشی از جنگ چه کسانی مقصودند، زنان یا مردان؟ در این مقاله، آثار مخرب جنگ با در نظر گرفتن بحث اخلاقی و با توجه به نقش زنان بر روی محیط زیست بررسی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: جنگ، محیط زیست، زنان، اخلاق زیستی، توسعه پایدار

۱ عضو هیات علمی پژوهشکده بیوتکنولوژی، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران mxmazaheriassadi@yahoo.com

چگونه می‌توان کارنامه یک جنگ را بررسی کرد؟

وسایل مدرن جنگی، استفاده از مواد زیست‌شناختی، ژن‌ها، وسایل مهم جنگی، سازوکارهای جنگی، روش‌های جنگی و ... از عوامل تخریب محیط زیست می‌باشند. در واقع، جنگ بر مجموعه شرایط بیرونی، بر طول عمر یا زندگی یک موجود زنده مانند انسان، اثرگذار است. بدین ترتیب، نور خورشید، آب، هوا، اقلیم، گیاهان، جانوران و سایر عوامل بی‌جان و جاندار که بر روی سیاره زمین وجود دارند و با یکدیگر در ارتباط متقابل می‌باشند، محیط زیست انسان را تشکیل می‌دهند. زنان در این میان چه نقشی دارند؟ خداوند طبیعت را در تسخیر بشر قرار داده است تا به شیوه درست و مناسب از آن بهره‌برد. (Blackstone, 1972: 16-42, Bookchin, 2001: 62-76). انسان می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌هایی که خداوند در سرشت او قرار داده است، بهترین بهره‌ر را از طبیعت ببرد و با خردورزی دنیا را مزرعه آخرت و سرمایه زندگی اخروی خویش قرار دهد.

محیط زیست و منابع موجود در آن، در واقع محل زندگی و تأمین‌کننده اصلی‌ترین نیازهای انسان به شمار می‌آید. با وجود این، در سال‌های گذشته به دلیل رشد فزاینده جمعیت و پیشرفت‌های فناورانه، روند بهره‌برداری از منابع موجود در زمین نیز تشدید شده است و محیط زیست انسان را دست‌خوش تخریب و آلودگی قرار داده است. براساس مطالعات بانک جهانی، تخریب مداوم محیط زیست در حال افزایش است زیرا حیات انسان‌ها به خاک و آب، جنگل، ماهی‌گیری و سایر امکانات طبیعی وابسته می‌باشد و با افزایش جمعیت و مصرف بی‌رویه و تخریب منابع فوق، شرایط غیرپایدار بوم‌شناختی و محیط زیست و فقر تداوم می‌یابد (براون، ۱۳۷۲). چه کسی مسبب این تخریب است؟ زنان یا مردان؟ تخریب محیط زیست به جنسیت زن و مرد مربوط نمی‌شود و اغلب هر دو از عوامل اصلی این تخریب به شمار می‌روند، ولی هنگامی که موضوع جنگ در پیش است مسئله را باید از بعد دیگری نگریست.

جنگ و فقر از مهم‌ترین عوامل در تخریب محیط زیست یا بهتر است بگوییم تخریب جنگل‌ها، فرسایش خاک، پیشروی کویر، محدود شدن زمین‌های کشاورزی، تهی شدن دریاها و از میان رفتن تنوع زیستی می‌باشند. این در حالی است که دنیا معتقد است اساس توسعه پایدار در جهان حفظ محیط زیست است. در میان موجودات زنده ساکن در این سیاره می‌توان گفت زنان از جمله موجوداتی هستند که توانسته‌اند محیط زیست خود را متناسب با نیازهای محسوس خود تغییر شکل دهند. نشانه آشکار دخل و تصرف انسان در طبیعت را می‌توان در راه‌ها، مزارع، روستاها، شهرها، سدها، کارخانه‌ها، معادن و نظایر آنها مشاهده کرد. البته این روی زیبایی تصرف به شمار می‌آید، زیرا این تصرف به منظور دستیابی انسان به رفاه اجتماعی و اقتصادی بیشتر است ولی هنگامی که صحبت از چهره زشت این تصرف‌ها به میان می‌آید فقط یک واژه را تداعی می‌کند و آن هم جنگ است (Plumwood, 1991: 3-27).

پرداختن به موضوع جنگ، زنان، اخلاق زیستی و محیط زیست از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا جنگ اثرات زیان‌باری بر محیط زیست وارد می‌کند و این در حالی است که حفظ محیط زیست از مسائل و موضوعات مهم جهانی است و نقش اساسی و تأثیرگذاری بر حیات مادی و معنوی بشر دارد.

زنان، صلح پایدار، جنگ و محیط زیست

در دستور کار ۲۱ اجلاس زمین در سال ۱۹۹۲ رویکردی درباره عملکرد زنان با عنوان «به سوی یک سیاره سالم» آمده است. این رویکرد معتقد است که حوادث روزافزون و زوال و فساد روی زمین، انسان‌ها را می‌تسارند و تهدید می‌کند. ما مسئولیم که به تمامی جامعه زمینی یعنی هوا، آب، خاک و منابع طبیعی، گل‌ها، گیاهان و اتمسفری که ما را پناه می‌دهد، احترام بگذاریم. (اجلاس زمین، UNDP, 2008). تمام دانشمندان و کارشناسان زیست کره زمین اعتراف می‌کنند که روند فروپاشی اکوسیستم زمین شتاب روزافزون دارد و تنها راه برون‌رفت از این مشکل بزرگ تمدن بشری همکاری جدی تمامی دولت‌ها، با تکیه بر طرحی جامع و جهان‌شمول است که نجات حیات سیاره زمین و نسل آینده را به دنبال داشته باشد. پاره‌ای از دانشمندان که خطر را جدی می‌بینند معتقدند، تنها فرصت برای نجات زمین کمتر از ۱۰ سال است، زیرا پس از آن روند فروپاشی حیات سیاره، برگشت‌ناپذیر خواهد شد. این گمان را می‌توان پذیرفت، زیرا نود

درصد از آرزبان اقیانوس ها و دریاها، ظرف پنجاه سال گذشته نابود شده اند و زنجیره غذایی در دریاها در حال گسستن است. در همین مدت هشتاد درصد از آب های زمین آلوده به سموم، فلزات سنگین، پساب ها و فاضلاب ها شده اند. از این رو، بحران آب در سطح جهان امری بسیار جدیست. گازهایی گلخانه ای ناشی از سوخت سنگواره ای، تغییرات اقلیمی (تغییرات چرخه آب) را باعث شده که نتیجه آن سیل های بی سابقه، طوفان ها، ریزش برف های بی سابقه، آتش سوزی و نابودی جنگل ها و مراتع در پاره ای از اقلیم ها و خشکسالی های بی سابقه در پاره ای دیگر و آب شدن سریع یخ های قطبی است که باعث بالا آمدن سطح دریاها شده و در آینده منجر به کوچ اجباری اقوامی خواهد شد که ارتفاع زمین های ایشان از سطح دریاها کم است. افزون بر این، می توان به هزاران مشکل زیست-محیطی دیگر، از قبیل نابودی گونه ها، تغییرات در چرخه آب، پدیده بی رنگی در یک میلیارد ریف مرجانی، نشت صدها هزار بشکه پسان پرتوزا و سایر سموم صنعتی بر اثر رنگ زدگی، که در اقیانوس ها و دریاها دفن شده اند، اشاره کرد. با توجه به رشد جمعیت نیز بحران جهانی آب و غذا، هجوم گرسنگان، تخریب، یا ناهنجاری در ژن و کروموزوم انسان و حیوان، جهش ژنتیکی در میکروب ها و باکتری ها را خواهیم داشت که به نابودی حیات سیاره (اکوسیستم زمین) و نسل آینده منجر خواهد شد (اسحاق آبادی، ۱۳۸۸).

گزارش هایی که همواره درباره آلودگی های زیست-محیطی در سراسر دنیا انتشار می یابد به طور یقین نمی تواند تمامی عواملی را که هر روز و هر ساعت بلکه هر لحظه بر سیاره زمین و ساکنان آن اثر می گذارد، بازگو نماید، به ویژه اگر این آلودگی ها ناشی از جنگ باشد!

امروزه همگان اذعان دارند که آثار سوء جنگ ها بر طبیعت و محیط زیست، از هر عامل دیگری خطرناک تر است، زیرا در جنگ ها حس ضربه زدن و پیروزی یک طرف منازعه بر طرف دیگر و تمایل شدید به انتقام جویی با استفاده از سلاح های ویرانگر، به تدریج به وجود می آید و با دادن تلفات و ضایعات، این حس روز به روز شدت بیشتری می یابد، تا جایی که دو طرف منازعه هرگونه پای بندی به اصول انسانی و بشری را فراموش می کنند. (Renner, 1991: 132-52)

آیا زنان در این فراموشی سهم بیشتری از مردان دارند؟

به صراحت می توان گفت که مردان در مسئله جنگ نقش اساسی را بر عهده دارند. ۹۹٪ تصمیم گیرندگان و دولت مردان دنیا مردانند و فقط در دهه های اخیر است که دنیا قابلیت زنان را به عنوان دولت مردان درک می کند. در تاریخ بشر به ندرت می توان زنانی را دید که عامل موشک باران ها و تخریب مراکز و ساختمان ها باشند. زنان برای حفاظت و بهبود ظرفیت طبیعت، حفظ زمین های کشاورزی و بهبود شرایط طبیعت و آینده محیط زیست اهمیتی بیش از جنگ قائلند (Jiggins, 1994: 19-25).

دولت مردان جنگ دوست، با در نظر نگرفتن اخلاق و مسائل زیست-محیطی بنیان گذاران جنگ های خانمان برانداز و مخربان محیط زیست محسوب می شوند. آیا درباره مسائل زیست-محیطی می توان میزان خسارت را تعیین کرد؟ چه کسانی باید تاوان تصمیم گیری های ساده قدرتمندان را برای آزمایش سلاح های مدرن خود و مردم یک کشور بپردازند؟ اگر به تاریخ بنگریم، به ندرت زنانی که در جایگاه دولت مردان قرار دارند عامل ایجاد جنگ و تخریب محیط زیست می باشند. سرچشمه این ماهیت زنانه اخلاق زیست-محیطی است که خداوند در سرشت زنانه آنها نهاده است. افرادی چون پروفیسور نادیا اشلایپیچ یکی از وزیران دولت فدرال یوگسلاوی با جمع آوری اسنادی که به اثبات رسانده است میزان خسارات جنگی به محیط زیست کشورش را تخمین زده است. به هنگام معرفی این اسناد تحت عنوان "اثرات بمباران های ناتو بر روی محیط زیست یوگسلاوی" مطالبی را بیان داشت که بیانگر نتایج تحقیقات و تحلیل موقعیت کنونی محیط زیست در مناطق صنعتی بمباران شده، کیفیت آب، رسوبات و آرزبان رودخانه دانوب، مورای بزرگ و لیسینییه و همچنین خاکزیان در یوگسلاوی است، تا اثرات این حملات لاینقطع و تخریبی در منطقه صنعتی پانچو و دیگر مناطق مانند انبارهای ذخیره نفت در پراخووا و بور، بئوپتول در برگ تو واس، تخریب نیش، کراگویوواس و دیگر شهرها تعیین و مشخص گردند. ریشه و اساس مشکلات زیست-محیطی بشر شکست و انهدام ارزش ها و بنیادهای اخلاقی است. این ادعا برگرفته از آموزه های دینی و نیز تجربه ای است که در دنیای معاصر داریم (نظریان، ۱۳۸۸: ۲).

با شروع جنگ تحمیلی و حملات گسترده صدام به مناطق مرزی ایران، مقاومت عمومی مردم و نیروهای مسلح مانع

پیشروی نیروهای عراقی گردید، دشمن برای درهم شکستن مقاومت مردمی و رزمندگان ایران هم‌زمان با حملات گسترده با سلاح‌های متعارف از سلاح‌های نوین و ممنوعه شیمیایی نیز بدون محدودیت و اعمال مجازات‌های بین‌المللی علیه نیروهای نظامی و غیر نظامیان ایران و حتی شهروندان کُرد عراق سود جست که اوج این حملات عملیات خیبر، بدر، فتح فاو، کربلای ۵ و والفجر ۱۰ به شمار می‌رود. طی این عملیات حدود ده هزار نفر از رزمندگان و مردم ایران شهید و بیش از صد هزار نفر مصدوم شدند. همچنین، بیش از هفت هزار نفر از مردم کُرد عراقی شهید و ۳۰ هزار نفر مصدوم شدند. بدین سان، رژیم بعثی عراق در دو دهه پایانی قرن بیستم جنایت علیه بشریت را رقم زدند. جنایتی که دامنه آن از جبهه‌ها و رزمندگان ایران فراتر رفته و مردم بی‌گناه سردشت و حلبچه را نیز شامل گردید و این همه در سایه بی‌تفاوتی مجامع جهانی و حتی حمایت‌های ضمنی و مستقیم کشورها و شرکت‌های دولتی و خصوصی جهان غرب رقم خورد (نیکخواه، ۱۳۸۵).

دولت عراق شهر بی دفاع سردشت را آماج بمب‌های شیمیایی خود قرار داد. بمب‌هایی که با همراه داشتن مقادیر زیادی "گاز خردل" تنها در ساعات اولیه ۶۰ کشته و دوهزار مجروح بر جای گذاشت. پس از گذشت ۱۹ سال از آن حادثه، آمار شهدای این بمباران به بیش از ۱۱۰ نفر و آمار جانبازان و مجروحان به بیش از سه هزار تن بالغ می‌شود. کاربرد گسترده سلاح شیمیایی را پس از پیروزی‌های بزرگ رزمندگان اسلام و شکست‌های پی‌درپی رژیم عراق در عملیات والفجر ۲، والفجر ۴، خیبر، بدر و بعدها در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ به وضوح مشاهده کردیم. برای نمونه، تنها در یک روز بیش از ۱۰۰ بمب خردل پرتاب شد که هر یک از آنها حاوی بیش از ۴۰ لیتر مایع کشنده خردل بود که پس از انفجار بخار می‌شد و چندین کیلومتر از مناطق اطراف را آلوده می‌کرد (روزنامه قدس، ۱۳۸۵).

طی ۲۳۰۰ بار حمله هوایی مقدار ۲۲ هزار تن مواد منفجره به خاک یوگسلاوی پرتاب شد و در این حملات مراکز و ساختمان‌های زیادی از جمله ۴۲ مرکز تولید انرژی، پالایشگاه، منابع ذخیره سوخت و ترانسفورماتورها تخریب گردید. در گزارش مذکور همچنین آمده است که علاوه بر مشکلات حاضر که بیش از هر چیز شامل انفجارات، آتش‌سوزی‌ها و متصادف شدن گازهای خطرناک در محیط زیست می‌باشند، مسئله مهم و قابل توجه دیگر اثرات درازمدت آلودگی محیط توسط مواد شیمیایی و رادیواکتیویته بوده که تا مدت‌ها باقی خواهند ماند. اگر اقدامات پیش‌گیرانه و به عبارت دیگر، جابجایی مواد خطرناک و مضر به خارج و دور از مجتمع‌های صنعتی صورت نمی‌گرفت، کار برخی از کارخانجات که با این مواد سروکار دارند متوقف نمی‌گردید، بعضی از مواد خطرناک خنثی و یا منهدم نمی‌شد و مواد شیمیایی در مناطق مختلف و به اندازه‌های کوچک‌تر تقسیم نمی‌شد، سرانجامی بسیار بدتر از وضع موجود پیش رو داشتیم. (سیاست اقتصادی، ۲۰۰۲). در هیچیک از این حملات زنان عراقی نقشی مخرب نداشتند. اگرچه در بیشتر قراردادهای بین‌المللی به این مسئله که آلودگی محیط زیست حد و مرز نمی‌شناسد اشاره شده است، این اشارات نتوانست مانعی بر سر راه ناتو یا بزرگ‌ترین قدرت پشت سر آن باشد و آن را از هدف خود، که بمباران یوگسلاوی بود، بازدارد. این کار بی‌احترامی به بسیاری از منشورها، ضوابط و قراردادهای بین‌المللی در مورد حفاظت از محیط زیست بود.

ناتو در تاریخ ۳۰ مارس به هنگام بمباران منطقه پری زرن، از گلوله‌هایی با اورانیوم ضعیف استفاده کرد. در گزارش مذکور آمده است که باقیمانده گلوله‌ها و آلودگی خاک بهترین دلیل بر این مدعا می‌باشند. اقدامی مشابه در تاریخ ۱۸ آوریل در منطقه بویانوواس، در ۳۰ می در منطقه "آزار" در شبه جزیره لوشیتسا و سپس در منطقه ورائنا صورت گرفت. مدارک جمع‌آوری شده نشان می‌دهند که در خاک یوگسلاوی، در جنوب خط ۴۴، خارج از منطقه کوزوو در هشت محل، از چنین گلوله‌هایی استفاده شده است که یک منطقه در مونته‌نگرو و هفت منطقه دیگر در صربستان قرار دارند. اورانیوم ضعیف شده ماده اصلی برای تهیه سوخت نیروگاه‌ها و سلاح‌های اتمی است و به عنوان یک نفاله رادیواکتیویته خطرناک محسوب می‌شود. اثر استفاده از این نوع گلوله‌ها بر روی انسان‌ها بسیار وحشتناک است و باعث بیماری‌های فوق‌العاده سخت می‌گردد که برای درمان آنها هیچ‌گونه راه‌علاجی وجود ندارد. متأسفانه، حتی پس از گذشت یک چهارم قرن از بمباران‌ها نیز اثرات آنها باقی مانده و سبب ضایعات خطرناکی در اندام‌های داخلی خواهند شد. حتی سربازان نیروهای KFOR و هیئت غیر نظامی سازمان ملل هم از این امر مستثنی نبودند. آنها نیز همراه با مردم محلی

در آینده با مشکلات فراوانی روبرو خواهند شد. هنوز مشخص نیست چه کسانی و تا چه مدت با به خطر افتادن سلامتی و جان خود، باید تاوان حساب‌های دیگران را که بر روی آن نام اقدامات انسان دوستانه گذاشته‌اند، بپردازند (سیاست اقتصادی، ۲۰۰۲).

بخشی از آسیب‌های زیست-محیطی در جنگ‌های منظم ناشی از عملکرد واحدهای مهندسی ارتش متخاصم یا مدافع می‌باشد، مانند بستن یا تغییر مسیر رودخانه‌ها به منظور زمین‌گیر کردن دشمن که باعث تغییر رژیم آبی منطقه و خسارات شدیدی می‌شود. این اتفاق در جریان جنگ ایران و عراق رخ داد. اینها همه به دلیل عدم رعایت اصول اخلاقی و به‌ویژه اخلاق زیست-محیطی است. (Leaning, 1993: 123-37).

اخلاق زیست-محیطی چیست؟

اخلاق محیط زیست به رابطه اخلاقی میان نوع بشر (بدون در نظر گرفتن جنسیت) با طبیعت اطراف خود می‌پردازد. در طول تاریخ، بسیاری از فلاسفه به این موضوع اشاره کرده‌اند، لیکن توجه و تحقیق جدی در این مقوله به‌عنوان مبحثی مجزا در دهه ۱۹۷۰ در جهان آغاز شد. پیدایش این مقوله، بدون شک، به دلیل آگاهی بشر از تأثیرات فن‌آوری، صنعت، توسعه اقتصادی و رشد جمعیت بر روی محیط زیست در دهه ۱۹۶۰ بود. دو کتاب مهم در این دهه منتشر شد که تأثیر بسزایی در آگاه‌سازی جوامع-به‌ویژه جوامع غرب- و توجه آحاد مردم و دولت‌ها به نتایج هولناکی که جهان را تهدید می‌کند، داشت. یکی از این دو کتاب «بهار خاموش» نوشته راشل کارسون بود که در سال ۱۹۶۲ انتشار یافت (UNA, 2007: 87-89). این کتاب درباره استفاده بی‌برنامه و بی‌حساب از مواد شیمیایی و آفت‌کش‌های غیربیولوژیک و بلایی است که آنها بر سر محیط‌زیست، انسان و حیات وحش می‌آورند. در این کتاب از عموم مردم صحبت می‌شود و زن و مرد تفکیک نمی‌شوند. کتاب دیگر «بمب جمعیت» اثر پل ارلیش بود که نشان می‌داد توسعه جوامع و افزایش بی‌رویه جمعیت چگونه کلیه منابع سیاره زمین را در خطر نابودی قرار داده است. البته آلودگی و نابودی منابع طبیعی را نمی‌توان تنها نگرانی‌های زیست-محیطی از آن زمان تاکنون دانست. کاهش مدام تنوع گیاهی و جانوری، نابودی بیابان‌ها، افول اکوسیستم‌ها و تغییرات آب و هوا همه دست به‌دست یکدیگر داده و بر وجدان عمومی و سیاست جوامع تأثیر گذارده‌اند. این مسئله در سالیان اخیر به‌طور فزاینده‌ای گسترش یافته است. در این شرایط اخلاق زیست-محیطی ایجاب می‌کند که قدرتمندان، چه زن و چه مرد، نیز باید تعهدات اخلاقی خود را درباره رویارویی با این نگرانی‌ها تنظیم و شاخک‌های حسی وجدانشان را بدین سمت و سو حساس کنند.

درواقع، دو پرسش اساسی که اخلاق زیست-محیطی باید به آنها پاسخ دهد، عبارتند از: نوع بشر، اعم زن و مرد، برای احترام به محیط‌زیست چه وظایفی برعهده دارد؟ آیا الزاماتی برای برخورد با مسایل زیست-محیطی بشر امروز و برای زندگی بشر در آینده وجود دارد؟ (UNDP report, 2008, UN-HABITAT).

اخلاق زیست-محیطی^۱ از شاخه‌های اصلی اخلاق کاربردی^۲ است. در این اخلاق برای حل مسائل ناشی از بحران زیست-محیطی که می‌توان گفت خطرناک‌ترین بحران جهان کنونی است، چاره‌جویی می‌شود. اخلاق زیست-محیطی و مسائل قابل طرح در این دانش دامنه گسترده‌ای دارند (گثری ال، کامستوک، ۱۳۸۷).

درواقع، این اخلاق همانند سایر علوم از اصول و مبانی همگرایی که اختصاص به قوم و سرزمین مشخصی ندارد، پیروی می‌کند. محیط زیست اثر گسترده‌ای بر چند و چون زندگی انسان دارد، به گونه‌ای که بهبود زندگی انسان در گرو بهینه‌سازی محیط زیست خود است و به تنهایی توان این بهینه‌سازی را ندارد. زیرا به سرمایه ابزار، مدیریت و... در سطح کشوری، منطقه‌ای و جهانی نیاز دارد.

از ارکان کلام اخلاق زیست-محیطی موضوع عدالت است که در اینجا نیز حاکم است. به این معنا که همگان باید صرف نظر از نژاد، جنس، سن و... از محیط زیست سالم و بدون آلودگی بهره‌مند شوند و نباید تعادل طبیعت برهم خورد و تنها ضرورت‌های بالاتر از طبیعت، آن هم به تشخیص اکثریت نمایندگان جامعه جهانی، اختیار خدشه بر عدالت طبیعی را به زن و مرد کره خاکی خواهد داد. این همان اصل رضایت است که در واقع مقید به تغییرات زیست-محیطی

1 Ethics Environmental

2 Applied Ethics

داخلی با تصمیمات قطعی مراجع ذی صلاح داخلی و در تغییرات فراسرزمینی، بنا به مورد، مقامات ذی صلاح بین‌المللی یا منطقه‌ای می‌باشد (Attfield, 2003: xi+232).

اصل مهم و اساسی دیگر ارتباط پژوهش با علوم زیست-محیطی است که در آن هیچ پژوهشی در محیط زیست نباید به ضرر انسان، محیط زیست و تنوع زیستی شود. ناگفته نماند که تعدیل در این اصل نیز در شرایط خاصی می‌تواند مد نظر قرار گیرد (Barry, 1999: 93-117).

اخلاق زیست-محیطی را می‌توان به صورت یک نظم ترکیب‌شده با علم و فلسفه دید. فلاسفه و متخصصان الهیات، جورج تاون، به آن به صورت شاخه‌ای از اخلاق کاربردی توجه نشان داده‌اند. وقایعی چون جنبش زنان در میان وقایع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود که اختیارات متخصصان اخلاق را بیشتر نمود تا بر روی محدودیت‌های اخلاقی در محیط زیست نیز دآوری کنند. بنابراین، متخصصان فلسفه اخلاق، تلاش کردند تلفیقی از علوم گوناگون را با اخلاق بیامیزند و اغلب علوم با اصل روحانیت اخلاق سیاسی تلفیق شد (پاپکین، ریچارد، اشرویل، 2002: Brennan, Yeuk-Sze, 1376).

اخلاق زیست-محیطی به انسان‌ها می‌آموزد که چه کاری به طور اخلاقی در کنترل محیط زیست خوب یا بد است، کدام اصول اخلاقی بیشترین اهمیت را در گرفتن تصمیمات زیست-محیطی دارد، چه چیزی یا کسی، به طور گروهی یا فردی، می‌تواند برای محیط زیست تصمیم بگیرد و جامعه نسبت به محیط زیست خود چه وظایفی دارد. اخلاق زیست-محیطی، اصلی توصیفی و تجویزی است. این اخلاق ارتباط و گفتگو میان جوامع را برای شرح وظایف و تلاش برای پیشرفت مسائل جهانی درباره کره زیست، افزایش می‌دهد.

اصول اخلاق زیست-محیطی از اصول اخلاقی و اشاعه تعبیر عقاید فلسفی با حقایق زیست-محیطی نشأت می‌گیرد و بیانگر اصول مهم زیر می‌باشد:

۱) انجام یک عمل خوب زیست-محیطی

۲) تأکید بر آسیب نرساندن به محیط زیست و کره خاکی

۳) آزادی عمل در تشخیص توانایی انسان برای مشارکت در اخلاق زیست-محیطی برای تصمیم عمومی

۴) برقراری عدالت زیست-محیطی اجتماع و حقانیت اصول اخلاقی بر پایه درک صادقانه، با دید زیست-محیطی و براساس توسعه پایدار و توسعه پایدار اکولوژیکی.

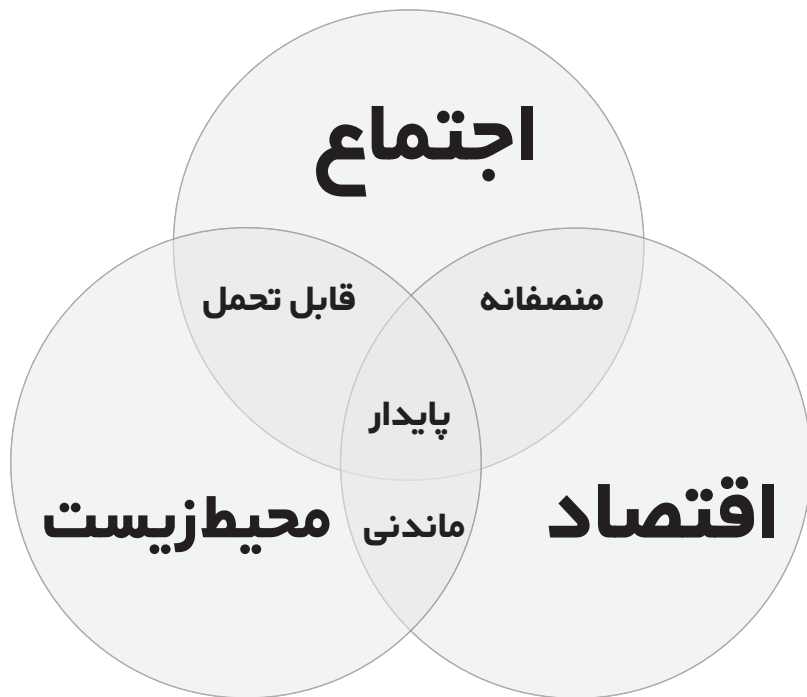
براساس اصول ذکرشده و با بحث اخلاق زیست-محیطی شناخت مفهوم توسعه پایدار و اصول آن ضروری می‌باشد (Attfield, 2003: 232).

توسعه پایدار

توسعه پایدار درحقیقت ایجاد تعادل میان توسعه و محیط زیست است، آن‌هم محیطی بدون جنگ و خونریزی. در اینجا نیز زن و مرد تفکیک نمی‌شوند و همه در این امر مهم سهیم هستند. در سال ۱۹۸۰ برای نخستین بار نام توسعه پایدار در گزارش سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی (IUCN) آمد. این سازمان در گزارش خود با نام راهبرد حفظ منابع طبیعی این واژه را برای توصیف وضعیتی به کار برد که توسعه نه تنها برای طبیعت مضر نیست، بلکه به یاری آن می‌آید. پایداری می‌تواند چهار جنبه داشته باشد: پایداری در منابع طبیعی، پایداری سیاسی، پایداری اجتماعی و پایداری اقتصادی.

درحقیقت، توسعه پایدار تنها بر جنبه زیست-محیطی اتفاقی تمرکز ندارد، بلکه به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن نیز توجه می‌کند. توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است که نیازهای کنونی جهان را تامین می‌کند، بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را برای برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند. بنابراین، «توسعه پایدار، رابطه متقابل مرد وزن و طبیعت در سراسر جهان است».

تحرك فکری و اخلاق زیستی باعث شد تا چشم‌انداز تازه‌ای در جهان ایجاد شود. این چشم‌انداز اهداف نوینی را پیرامون تداوم حیات بشر و بقای کره خاکی مطرح می‌کند و شرط تحقق این چشم‌انداز را تنها از راه جنبش‌های پرشور و



گسترده امکان پذیر می‌داند. از این رو، نشست‌های جهانی از دهه ۱۹۷۲ یعنی هم‌اندیشی استکهلم درباره محیط زیست انسانی شکل گرفت و به دنبال آن در سال ۱۹۹۲ آگاهی‌های بین‌المللی با هم‌اندیشی سازمان ملل در خصوص توسعه و محیط زیست آغازگر عصر نوینی از جنبش‌های زیست- محیطی بود که می‌توان آن را شروعی در اخلاق زیست- محیطی به شمار آورد.

دولت‌های جهان مفهوم توسعه پایدار یا توسعه اکولوژیکی را به عنوان رویکردی مطلوب و حلال مسائل توسعه مطرح کرده‌اند. مفهوم رویکرد توسعه پایدار به عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارها برای حل معضلات جامعه جهانی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و به‌ویژه زیست- محیطی، برای نخستین بار در سال ۱۹۹۲ مورد پذیرش جامعه جهانی قرار گرفت. با ارائه تعریف و مفهوم توسعه پایدار و ترویج آن، توجه به وجود شاخص و معیاری جهت سنجش و اندازه‌گیری پایداری در فرآیند توسعه بیش از پیش ضروری تلقی شد. در همین هم‌اندیشی بود که مفهوم حق واقعیات حقوقی در بعد مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در بحث محیط زیست به دنیا و سران آن معرفی شد و حق برخورداری از محیط زیستی سالم برای تمام افراد کره خاکی مطرح شد. این امر باعث شد که امروز پس از گذشت ۱۶ سال حقوق زیست- محیطی به طور آشکار در قوانین حقوق بشری بسیاری از کشورها دیده شود و اغلب این کشورها مردم را محور توسعه پایدار بدانند. بنابراین، اگر حق را از محورهای اصلی در اخلاق بدانیم، در توسعه پایدار حق مردم در تصمیم‌گیری‌های زیست- محیطی اصل بسیار مهمی است. برای آنکه شهروندان زن و مرد نقش مشارکتی در خلق و اجرای برنامه‌های زیست- محیطی و اجتماعی سالم داشته باشند، باید دیگر حقوق آنها یعنی حق دسترسی به اطلاعات و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست- محیطی و حق ترویج و دفاع از حقوق بشر و محیط زیست اجرا شود. این اجرا و عمل هم‌زمان، رعایت کردن اصول اخلاق زیست- محیطی در دنیای بدون جنگ است (Barry, ۱۹۹۹: ۹۳-۱۱۷).

نتیجه‌گیری

محیط زیست و منابع موجود در آن، محل زندگی و تأمین‌کننده اصلی‌ترین نیازهای انسان به شمار می‌آیند. با وجود این، طی سال‌های اخیر در نتیجه رشد فزاینده جمعیت و پیشرفت‌های فناوریانه، روند بهره‌برداری از منابع موجود در زمین نیز تشدید گردیده و در یک کلام محیط زیست انسان دست‌خوش تخریب و آلودگی قرار گرفته است. جنگ‌ها یکی دیگر از دغدغه‌های زیست-محیطی است که کره زمین را دچار مشکلات فراوانی کرده است. امروزه همه اذعان دارند که آثار سوء جنگ‌ها بر طبیعت و محیط زیست از هر عامل دیگر خطرناک‌تر است. این حس روز به روز شدت بیشتری می‌یابد، تا جایی که دو طرف منازعه هرگونه پای‌بندی به اصول انسانی و بشری را فراموش می‌کنند. مردان در این ماجرا بیش از زنان سهم دارند، هرچند که بمب‌های شیمیایی مختلف چون «گاز خردل» به دست زنان و مردان هر دو ساخته می‌شود و اخلاق زیست-محیطی این انسان‌ها را نمی‌توان به راحتی توجیه کرد. اخلاق زیست-محیطی را که به صورت یک نظم ترکیب‌شده با علم و فلسفه شناخته می‌شود، به راحتی می‌توان با توجه به جنبش زنان، جنگ و محیط زیست در وقایع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مداخله داد. از آنجا که زنان اغلب اختیاراتشان در حد دولت‌مردی بی‌رنگ بوده است، بهتر می‌توانند محدودیت‌های اخلاقی در محیط زیست را داوری کنند. در واقع، اخلاق زیست-محیطی به انسان‌ها می‌گوید که چه کاری به طور اخلاقی در کنترل محیط زیست خوب و چه کاری بد است، کدام اصول اخلاقی بیشترین اهمیت را در تصمیم‌گیری زیست-محیطی با توجه به جنگ دارد، تصمیم‌گیری باید فردی باشد، یا گروهی و در چنین شرایطی، جامعه نسبت به محیط زیست خود چه وظایفی دارد.

منابع

- اسحاق آبادی، محمد (۱۳۸۸). فصلنامه مردم‌سالاری، شماره ۲۲۴۹. پراون، لستر (۱۳۷۲). وضعیت جهان (مسائل محیط زیست)، ترجمه حمید طرّوانی، تهران: نشر آروین.
- پاپکین، ریچارد، اشرویل، (۱۳۷۶). کلیات فلسفه، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبیوی، تهران: انتشارات حکمت.
- سیاست اقتصادی (۲۰۰۲). چاپ بلگراد.
- روزنامه قدس، دوشنبه ۱۲ تیرماه ۱۳۸۵.
- گثری ال. کامستوت (۱۳۸۷). اطلاعات حکمت و معرفت، سال ۱، شماره ۱، فروردین، ترجمه انشالله رحمتی.
- محیط زیست، «منابع طبیعی و توسعه پایدار»، اخلاق محیط زیست. <http://moहितzistclass.persianblog.ir/tag>.
- نظریان، رضا (۱۳۸۸). «الگوی تاریخی غیر قابل تداوم مصرف»، پایگاه خبری فضای سبز و محیط زیست ایران (سبز پرس). http://isidle.ir/news/index_1388.php
- نیکخواه، محمد باقر، «بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ تحمیلی»، پایگاه اطلاع‌رسانی قربانیان سلاح‌های شیمیایی، www.chemical-victims.com
- Annual Report, (2008). The Human rights Approach to Sustainable Development. UN-HABITAT.
- Attfield, Robin (2003). Environmental Ethics: An Overview for the Twenty-First Century, Polity Press, Cambridge, and Blackwell, Malden, MA, pp. xii + 232.
- Barry, Brian (1999). Sustainability and Intergenerational Justice in Dobson, Andrew (ed.). Fairness and Futurity, Oxford: Oxford University Press, 93-117.
- Blackstone T., William (1972). "Ethics and Ecology" in Blackstone, William T. (ed.). Philosophy and Environmental Crisis, Athens, University of Georgia Press, 16-42.
- Bookchin, Murray (2001). What is Social Ecology? in, Boylan, Michael (ed.). Environmental Ethics, New Jersey: Prentice Hall, 62-76.
- Brennan, Andrew and Lo, Yeuk-Sze (2002). Environmental Ethics. The Stanford Encyclopedia of Philosophy (summer 2002 Edition), Edward N. Zalta (ed.), <http://plato.stanford.edu/archives/sum2002/entries/ethics-environmental>.
- Jiggins, Janice (1994). Changing the Boundaries: Women-Centered Perspectives on population and the Environment, New York: Island Press.
- Leaning J. (1993). War and the Environment: Human Health Consequences of the Environmental Damage of War. In: Chivian E, McCally M, Hu H, Haines A, editors. Critical condition: human health and the environment. Cambridge (MA): MIT Press; 123-37.
- Plumwood, Val (1991). Nature, Self, and Gender: Feminism, Environmental Philosophy, and the Critique of Rationalism, Hypatia 6 (1):3-27.
- The Human Rights Approach to Sustainable Development. UNA in Canada, (2007), 187-189.
- www.unac.org/en/projects/archives/index.asp
- Renner M. (1991). Assessing the Military's War on the Environment. In: Brown L, Editor. State of the world 1991. New York: W.W. Norton, 32-52. - (2008) (اجلاس زمین) - The United Nations Development programme WWW.UNDP.org